

زمینه‌های هم‌گرایی و واگرایی ترکمن‌های عراق با ترکیه قدیم و جدید، در چارچوب کمالیسم و پان‌ترکیسم

حسین زحمتکش^۱

محمد الغبان^۲

چکیده

ترکیه از زمان سقوط امپراتوری عثمانی تا دهه پایانی قرن بیستم، سیاستی متفاوت با دوره گذشته درباره اقلیت‌های ترک‌تبار خارج از آناتولی اتخاذ کرده است. (تاریخچه) از این‌رو، عدول ترکیه از آن سیاست و انتخاب تعامل و تغافل با اقلیت‌های ترک‌تبار، از جمله ترکمن‌های عراق، ابهام‌انگیز است. (مسئله) موضوعی که از دریچه علمی، مورد توجه جامعه پژوهشی قرار نگرفته است. (پیشینه) لذا، مقاله حاضر با این پرسش که، زمینه‌ها و موانع هم‌گرایی ترکمن‌های عراق با ترکیه در چارچوب پان‌ترکیسم و سیاست‌های جدید منطقه‌ای ترکیه چیست مواجه است. (سؤال) در چارچوب سیاست جدید، ترکیه سعی دارد تا با فرارفتن از کمالیسم و در چارچوب پان‌ترکیسم، توجه جدید بر پایه منافع ملی بازتعریف شده درباره ترکمن‌های عراق به عمل آورد. (فرضیه) غرض ارائه دو تصویر از ترکیه قدیم و جدید در برخورد با یک پدیده واحد بر اساس منافع متغیر ملی است. (هدف) این مقاله، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی داده‌های اسنادی و گردآوری شده از تحقیقات کتابخانه‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده تا رد یا اثبات فرضیه و نیل به هدف را مورد سنجش قرار دهد. (روش) توجه نکردن متقابل ترک‌ها و ترکمن‌ها به هم در فضای جدید رویکرد ترکیه به پان‌ترکیسم، مهم‌ترین نکته این پژوهش است. (یافته)

واژگان کلیدی

ترکمن، عراق، ترکیه، کمالیسم و پان‌ترکیسم.

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) - honzh64@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - msa61@hotmail.com
تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۲۴ تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۰۹

مقدمه

در ترکیه، با دو نوع سیاست خارجی روبه‌رو هستیم که پیروان این دو گونه سیاست را در سال‌های اخیر، از هم متمایز کرده است. گروهی همچنان پایبند به سیاست خارجی کمالیستی هستند و معتقدند که باید منطقه خاورمیانه را نادیده گرفت و در عوض، بیش‌تر نگاه به اروپا و غرب را باید پی‌گیری کرد. در مقابل این نگاه، دیدگاه دیگری وجود دارد که اصلی‌ترین نماینده آن را در اصول سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه است؛ ضمن این‌که نگاه کمالیستی حفظ می‌شود، نوع‌مان‌گری و نگاه به شرق مورد استفاده قرار می‌گیرد و از هر سه ظرفیت؛ عنصر ترکی، اسلامی (شرقی) و عثمانی‌گری استفاده می‌شود. این نوع سیاست خارجی، هدف خود را حضور مؤثر در بالکان، اروپا، دریای سیاه، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه می‌داند، در حالی که در تفکر کمالیستی، هدف پیوستن به غرب است و چندان توجهی به سایر حوزه‌های منطقه‌ای ندارد. بنابراین، حزب عدالت و توسعه سعی کرد پس از به قدرت رسیدن، از تمام ظرفیت‌ها استفاده کند و این یک تغییر و چرخش در سیاست خارجی آن‌ها نیست بلکه استفاده از تمام ظرفیت‌هایی است که استفاده نشده است. ترکیه در پی آن است که با پی‌گیری این سیاست، دوباره قدرت و نفوذ از دست رفته دوره عثمانی را باز یابد. (دیمو، ۱۳۸۱: ۲۱)

با فروپاشی شوروی و بلوک شرق در اواخر دهه نود قرن بیستم و بروز نظام جهانی تک‌قطبی و به تبع آن، تحولات اخیر جهان و منطقه خاورمیانه، ترکیه از رویکرد تماشاگری^۱ و عدم‌مداخله فعال در تحولات سیاسی منطقه و فرا منطقه‌ای و از پایبندی به محدودیت‌های عقیده سیاسی کمالیسم، رویکرد متفاوتی در سیاست خارجی در تعامل با مسائل منطقه و بین‌المللی اتخاذ نمود که مبتنی بر دیپلماسی فعال و با به کارگیری قدرت نرم در توسعه نقش و

۱. عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه درباره نقش جدید ترکیه در منطقه و در سطح بین‌المللی اظهار داشت: ترکیه نمی‌تواند در درون آناتولی محدود گردد. در راستای تحولات خطیر منطقه‌ای و بین‌المللی، انکارا نمی‌تواند بر آنچه که در منطقه و جهان رخ می‌دهد تماشاگر باشد درحالی‌که ترکیه از این تحولات متأثر می‌شود و در آن‌ها اثر می‌گذارد. (نورالدین، ۲۰۱۰: ۱۳۹)

نفوذ خود در عرصه‌های مختلف است. لذا، ترکیه در سیاست‌های خود نسبت به کشورها و اقلیت‌های ترک‌تبار و کشورهای منطقه به طور جدی تجدیدنظر کرد و سیاست جدیدی را مبتنی بر حمایت از منافع و خواسته‌های ترک‌زبانان آغاز نمود. (شرکه، ۲۰۰۱: ۴۵)

با اشغال عراق توسط امریکا در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی رژیم بعث عراق، مسأله اقلیت ترکمن عراق که به‌عنوان یکی از اقلیت‌های مهم و از عناصر اساسی جامعه عراق به شمار می‌رود، جزء مسائل مهم و موردتوجه در سیاست خارجی ترکیه با نظام عراق نوین محسوب گردید. از آن به بعد، ترکیه خود را مدافع و حامی حقوق و سرنوشت این اقلیت در عراق دانست. در این دوره، ترکیه سعی نمود با تأیید و حمایت خود از احزاب و گروه‌های ملی‌گرای ترکمن و با حمایت سیاسی و پشتیبانی بی‌دریغ از جبهه ملی‌گرای ترکمن عراق و توازن قدرت در شمال عراق، مناطقی که ترکمن‌ها در آن سکونت داشتند، به نفع آن‌ها حفظ کند. مسأله کرکوک و حفظ قدرت ترکمن‌ها در این شهر استراتژیک، از مهم‌ترین و حساس‌ترین مسائلی بود که دولت ترکیه، در روابط خود با کردها و حکومت اقلیم کردستان عراق مدنظر قرار داد. از نظر آنان، هرگونه تسامح یا سازش در این مسأله، قابل قبول نیست و کرکوک را به‌عنوان خط قرمز می‌دانند.^۱

کلیات شناخت ترکمن‌ها

پرداختن به ریشه لغوی ترکمن، نژاد، مذهب، دموگرافی، تاریخچه و اهم فعالیت سیاسی ترکمن‌ها، زمینه را برای درک مواضع ترکیه دیروز و امروز، در رابطه با ترکمن‌ها فراهم می‌کند:

۱. با سرنگونی رژیم صدام، صدها هزار نفر کرد که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی در طرح عربی کردن کرکوک به بیرون از شهر رانده شده بودند، به این شهر بازگشتند. کردها با اعمال نفوذ و تغییر دموگرافی شهر، سعی دارند کرکوک را پایتخت کردستان قرار دهند، مسأله‌ای است که مسئولان ترکیه همواره نسبت به آن هشدار دادند و آن را خط قرمز خود می‌دانند.

ریشه و معنای ترکمن

آقای عزیز قادر الصمانجی، نویسنده و سیاست‌مدار ترکمن عراق در *التاریخ السیاسی لتركمان العراقی* (الصمانجی، ۱۹۹۹: ۲۳) ریشه و معنی لغت ترکمن را در منابع مختلف بررسی نموده و این معانی را به دست آورده است:

الف) ترکمان = ترک + مانند: بنا به عقیده برخی تاریخ‌نویسان، عده‌ای از قبایل دودمان اغوزخان به اطراف خراسان کوچ کرده و در آن‌جا مدتی سکونت گزیده‌اند و به خاطر اینکه آثاری از خشونت زبان‌پدیری در آن‌ها باقی مانده بود، بومی‌ها به آن‌ها ترک مانند می‌گفتند که بعدها به ترکمن مبدل گردید. ب) ترکمان = ترک مسلمان: طبق دیدگاه پروفیسور فاروق سومر، اغوزها که در قرن دهم میلادی به منظور انجام مبادلات تجاری به ممالک اسلامی سفر می‌کردند، به اسلام گرویدند و نام آغوز به ترکمن به معنی ترک مسلمان مبدل گردید. در همین راستا کلود کوهین در کتاب خود، *ترکیه عثمانی* می‌گوید: لغت ترکمان در دوره مسلمان شدن ترک‌ها پدیدار شده تا ترک‌های کوچ‌نشین مسلمان را از ترک‌های شهرنشین و یا بادیه‌نشین غیرمسلمان متمایز سازد.

ج) ترکمان = ترجمان: ترک‌های ماوراءالنهرین که به اسلام پیوستند از طریق معاشرت و تعامل با مسلمانان عرب، زبان عربی آموختند و برای دیگر ترک‌های غیرمسلمان ترجمان می‌کردند. لذا، از این جهت، به ترک مسلمانان که نقش ترجمان داشتند، ترکمان می‌گفتند.

د) ترکمان = قومان^۱، قومی از تبار قبیحاق که شاخه‌ای از قبایل ترکند که در دوران سلجوقیان به ترک قومان معروف بودند، اما طبق نظر تاریخ‌نگار معروف دوکینی، ترک قومان متعاقباً به ترکمان تبدیل شد.

ه) ترکمان = ترک + مان: بنا به نظر نجیب عاصم «مان» به معنی مرد یا جنگ‌جو است و با جمع دو کلمه معنی ترک جنگ‌جو به دست می‌آید. ترکمان = ترک + مان (من): مطابق نظر جی. دینی که آقای الصمانجی بر

1. Koman.

دیگر آرا و نظریات ترجیح می‌دهد، پسوند «من» یا «مان» در زبان ترکی بر کثرت و اصالت دلالت دارد. بنابراین معنی این لغت، ترک اصیل^۱ است.

نژاد، زبان و مذهب

ترکمن‌ها از اقوام آسیایی میانه هستند و در گذشته آغوز نامیده می‌شدند.^۲ شاخه‌ای از ترکان آسیایی میانه‌اند که از دوران قدیم در صحرای وسیع، بخش سفلی رود سیحون و جیحون و بین دریای آرال به زندگی کوچ‌نشینی روزگار می‌گذرانیدند. تا حدود قرن هفتم میلادی، ترکمن‌ها جزیی از قوم بزرگ ترک بودند. عباس العزاوی در کتاب *العراق بین الاحتلالین* می‌گوید:

ترک نام عام است که مغول، ترک، تاتار و ترکمن‌ها را در برمی‌گیرد. ترک ملت مستقل و بسیار بزرگ و دارای شاخه‌ها، قبایل و تبارهای متعددی است. وطن اصلی قوم ترک توران است که نام یک دریاچه می‌باشد. (الصمانجی، ۱۹۹۹: ۲۸)

در قدیم ایران را آران می‌گفتند و سرزمین‌های مجاور آن دریاچه که سرزمین اصلی ترک‌ها بود، توران نامیده می‌شد. طبق شاهنامه، تاریخ‌نویسان محل جغرافیایی توران را ماورالنهر بر آن طرف آب آموری و خوارزم تا دریاچه آرال، تا دشت‌های روسیه و ناحیه ترک و خزر و چین و ماچین و تبت و شرق پنداشته‌اند. با توجه به متن شاهنامه، توران محل سکونت ترکان و چینیان را دربر می‌گرفته و به‌وسیله رود جیحون از سرزمین ایران جدا می‌شده است. در این صورت چین یا بخشی از کشور چین جزیی از توران خواهد بود. پژوهش‌گرانی نیز هستند که توران باستان را منطقه‌ای در آسیای میانه اما موطن اولیه آریاییان می‌دانند. به نظر تاریخ‌نویسان دیگر محل توران، آسیای مرکزست در منطقه کوه‌های

1. pure.

۲. نویسنده معروف ترکمن عراقی شاکر صابر الضابط در کتابش *موجز تاریخ ترکمن فی العراق* ریشه و نژاد ترکمن را آغوز نمی‌داند بلکه معتقد است که آغوز یکی از طوایف ترکمن‌اند و ترکمن به بیش از پنجاه طایفه یا قبیله تقسیم می‌شوند که هرکدام نشان خاصی داشتند که احشام و وسایل خود را با آن‌ها علامت‌گذاری می‌کردند. اغوزها از ترکستان به خراسان کوچ کرده و بعدها از راه آمیختن و اختلاط با دیگر قبایل ترک چون غزها ترکمن نامیده شدند.

اورال - آلتایی و یا از دریای خزر تا فلات ایران تا سرچشمه رودخانه سیر دریا از رودخانه ایرتیش^۱ تا فلات آکمولینسک^۲ در قصیده معروف توران ضیاء گوک آلپ مبلغ نظریه پان تورانیسم آمده: ... سرزمین پدری برای ترک‌ها نه ترکیه است و نه ترکستان بلکه سرزمین پدری بزرگ و جاویدان توران است... (رواسانی، 1392: allpantorkism.persianblog.ir) فبمار معتقد است ترکمن‌های عراق احتمالاً بقایای دودمان قبیله‌ای ترکمن قرون چهارده و پانزده هستند و بعدها به شهروندان ترکی که جانشینان سلاطین عثمانی آن‌ها را در این شهرهای مرزی مستقر کرده بودند پیوستند. آقای ولید شرکه از شخصیت‌های سیاسی ترکمن عراق معتقد است که ملت ترکمن عراق، ملت مستقلی هستند که از نژاد ترک آسیای میانه و با ترک‌های ترکیه کاملاً متفاوتند. (شرکه، ۲۰۰۱: ۸۸)

درباره ورود ترکمن‌ها به اسلام، بنا به روایتی، بعضی از ترکمن‌ها در قرن اول هجری پس از فتوحات اسلامی در بلاد ماوراءالنهرین، مسلمان شدند. به روایتی دیگر، ترکمن‌ها اغلب در قرن پنجم هجری به دین اسلام پیوستند. مطابق روایت *تاریخ الامم والملوک*، عبیدالله بن زیاد که در دوره اموی شهر بخارا را فتح کرد، جنگ‌جویی و شجاعت ترکمن‌های آن شهر، توجه وی را جلب کرد و تصمیم گرفت تعداد دوهزار ترکمن مسلمان را با خود به عنوان سرباز به بصره ببرد. از آن تاریخ به بعد، ترکمن‌ها در میان ارتشیان بنی‌امیه حضور داشته و مورد عنایت دستگاه حاکم بوده‌اند. از این جهت، اغلب ترکمن‌های عراق، مسلمان و پیرو دو مذهب حنفی و شیعه هستند. البته آمار دقیقی وجود ندارد که پیروان کدام مذهب بیش‌ترند.

دموگرافی ترکمن‌ها

آن‌ها در منطقه و سرزمینی ممتد از شمال غرب عراق تا جنوب شرقی آن سکونت دارند. این منطقه وسیع، شهر تلعفر، بخشی از شهرهای موصل، اربیل و کرکوک، شهرهای آلتون کپری، تازه خرماتو، طوزخرماتو، کفری، قره‌تپه، خانقین،

1 .Irtisch.

2 . Akmolinsk.

سعدیه، جلولاء و مندلی را در بر می‌گیرد. هم‌چنین تعداد قابل توجهی در بغداد سکونت دارند، که برخی آن‌ها را به سیصد هزار نفر تخمین می‌زنند. بخش عمده جمعیت آنان در روستاها ساکنند و طبق یکی از سرشماری‌های غیر رسمی، نزدیک به ۱۰ درصد از جمعیت عراق را ترکمن‌های آن کشور تشکیل می‌دهند. این منابع، جمعیت ترکمن‌های عراقی را ۲/۵ تا ۳ میلیون نفر ذکر می‌کنند؛ هر چند این رقم مورد قبول گروه‌های کرد و سایر گروه‌های عراقی نیست،^۱ بیش‌ترین جمعیت شهرنشین ترکمن‌های عراق در شهرهای کرکوک، اربیل و منطقه تلعفر ساکن هستند. ترکمن‌ها معتقدند ۷۰ درصد از جمعیت شهرک کرکوک ترکمن، و ۳۰ درصد آن از دیگر اقوام به خصوص کردها هستند، ولی کردها خود را اکثریت دانسته و معتقدند که این شهر باید در حوزه منطقه خود مختار کردستان قرار بگیرد. (الضابط، ۱۹۶۰: ۶۷)

تاریخچه مهاجرت

پیشینه مهاجرت و سکونت ترکمن‌ها در عراق شامل سه دوره تاریخی می‌باشد:

دوره نخست: آغاز مهاجرت ترکمن‌ها به عراق در سال ۵۴ هجری هنگام فتح شهر بخارا در دوره اموی شروع شد. تعدادی به عنوان سرباز، همراه ابن زیاد به عراق آمدند و در آن‌جا مستقر شدند. سیل مهاجرت ترکمن‌ها و پیوستن خانواده‌شان به عراق هم‌چنان تا دوره عباسیان ادامه داشت. این دوره به عنوان مرحله آشنایی قوم ترکمن با سرزمین جدید و آداب و رسوم مردم آن توصیف می‌شود. بسیاری از مهاجرین ترکمن این دوره با اقوام دیگر آمیختند و زبان عربی آموختند.

۱. بر اساس منابع آن‌ها، آمار ترکمن‌های عراق به ۱,۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. سرشماری سال ۱۹۵۷، آخرین سرشماری که در آن قومیت منعکس شده بود، تعداد ترکمن‌ها بالغ بر ۵۶۷۰۰۰ نفر و با میزان ۹٪ از کل جمعیت کشور (۶,۳ میلیون نفر) تخمین زده شد. (کاجابتی، ۲۰۰۳: ۷۳۶) جالب این است که منابع رسمی در دوران حکومت صدام که اصلاً قومیت ترکمن را به رسمیت نمی‌شناختند، تلاش می‌کردند تا درصد جمعیت ترکمن‌ها را حتی‌الامکان کاهش دهند و درصد آن‌ها را با میزان ۲٪ از کل جمعیت عراق به صورت ثابت در سرشماری‌های رسمی منعکس کنند.

دوره دوم: مهاجرت و سکونت ترکمن‌ها در دوره سلجوقیان بود که از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی استقرار و اقتدار ترکمن‌ها در عراق به‌شمار می‌رود و طی آن، حکومت‌های مختلف ترکمن به وجود آمدند.

دوره سوم: مهاجرت ترکمن‌ها به عراق، در واقع به مرحله تثبیت و استقرار و افزایش اقتدار آن‌ها موسوم می‌شود. در این مرحله تعداد زیادی از عشایر ترکمن همراه عثمانی‌ها در حملات و نبردهای خود با صفویان وارد خاک عراق می‌شوند. حمله سلطان سلیمان قانونی در سال ۱۵۳۴ و حمله سلطان مراد چهارم به بغداد در سال ۱۶۳۸ از مهم‌ترین حملاتی بود که هزاران نفر ترکمن به همراه داشت. (الصمانجی، ۱۹۹۹: ۳۹)

فعالیت‌های سیاسی

در دوره گذشته، از زمان سقوط عثمانی و تشکیل دولت عراق در سال ۱۹۲۱ تا دهه ۱۹۹۰، ترکمن‌ها در عرصه‌های سیاسی اجتماعی منزوی شدند و در مسائل و جریان‌های سیاسی به‌جز چند حادثه استثنایی از جمله حادثه قتل عام ۱۹۵۹ که به اجبار پای ترکمن‌های کرکوک به آن کشیده شده بود، هیچ‌گونه حضور یا دخالتی نداشتند. اما پس از تحولات سیاسی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای و به خصوص پس از جنگ دوم خلیج فارس، ترکمن‌ها به‌طور فعال وارد صحنه سیاسی شدند و تشکلات و گروه‌های مختلفی در قالب معارضین رژیم صدام تشکیل دادند. هم‌اکنون احزاب و گروه‌های ترکمن عراقی اعم از تشکیل شده در دوران معارضه و یا پس از سرنگونی رژیم صدام، به سه جریان اصلی دسته‌بندی می‌شوند: احزاب اسلام‌گرای شیعی مانند الاتحاد الاسلامی لترکمان العراق که در سال ۱۹۹۱ تأسیس و توسط عباس البیاتی رهبری می‌شود؛ احزاب اسلام‌گرای سنی مانند جبهه ملی‌گرای ترکمن عراق که در ۱۹۹۵ تأسیس شد و سران برجسته آن عبارتند از: توران کتانه، سنان چلبی، و داد ارسلان، صنعان کتانه، فاروق عبدالله و سعد الدین اَرکیج؛ احزاب و گروه‌هایی دیگری بنام گردهمایی ملی ترکمن وجود دارند که تابع سیاست‌های اقلیم کردستان هستند و شهر کرکوک را متعلق به اقلیم می‌دانند مانند: الحزب الدیمقراطی الترکمانی. (الصمانجی، ۱۹۹۹: ۴۰)

سیاست خارجی ترکیه و روابط با ترکمن‌های عراق

بررسی و مرور بر سیاست خارجی ترکیه، بعد از جنگ جهانی اول تاکنون، یادآور تئوری معروف پالمرستون است که معتقد بود: «دوستان و دشمنان دائمی وجود ندارند زیرا منافع ملی دائمی وجود دارد.» دستگاه دیپلماسی ترک‌ها در طول تاریخ با هر نوع ماهیت حاکمیتی که داشته‌اند به یک شکل عمل کرده‌اند و فقط ابزار و وسایل آن‌ها با هم‌دیگر متفاوت بوده است؛ این وضعیت، نشأت گرفته از الزامات محیط داخلی و بازیگران بین‌المللی است. اما در هر سبک حکومتی؛ کمالیسم یا اردوغانیسم دو فاکتور مشترک دیده می‌شود: الف) سوار شدن بر موج جهانی به صورت مقطعی و تاکتیکی به منظور برآورده کردن استراتژی‌های بلندمدت ترکیه؛ ب) استفاده از قدرت نرم و تئوری هوش سرشار تا با کم‌ترین هزینه، بیش‌ترین منافع را نصیب ترکیه کنند. در این راستا، ترک‌ها تلاش دارند تا با نوع سیاستی که امریکا و اتحادیه اروپا در ارتباط با رویدادهای بین‌المللی اتخاذ می‌کنند، هم‌خوانی ایجاد کنند تا ضمن جهت دادن به سیاست خارجی، منافع ملی خود را در پرتو بحران‌های بین‌المللی حداکثرسازی کنند. حاکمیت آنکارا در طول تاریخ همیشه با توجه به جامعه‌شناسی سیاسی ترکیه با تأکید بر ارزش‌های جهانی و منافع ملی حرکت کرده است؛ چون خواسته‌ها و منافع، صورت‌بندی اجتماعی آن‌ها در همین راستا، تعریف شده است. (صولت، 1392: tisri.org) سیاست خارجی ترکیه در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و به‌ویژه در مورد مسأله تعامل با اقلیت‌های ترکی به‌طور عموم و ترکمن عراق در سه مرحله یا دوره زمانی قابل‌بحث و بررسی است:

دوره اول: این دوره از سقوط امپراتوری عثمانی شروع و تا اواخر دهه نود که آغاز فروپاشی شوروی و بلوک شرق و شروع جنگ دوم خلیج فارس و پیامدهای این دو حادثه مهم بود ادامه می‌یابد. برای درک روابط ترکمن‌های عراق با ترکیه باید شرایط حاکم بر دوره تقسیم امپراتوری را در نظر گرفت. در سال ۱۹۲۵ ترکیه توافقنامه آنکارا با بریتانیا را امضا کرده بود و در نتیجه، ترکیه ملزم شد تا از مناطق سابق عثمانی که به تصرف بریتانیا درآمده بود، صرف‌نظر نماید

و در نتیجه ولایت موصل جزو دولت جدیدالتأسیس عراق درآمد. (مردان، ۲۰۰۴: mafhoum.com) البته از آن زمان تاکنون ترکیه چشم از سرزمین‌های از دست‌رفته برنگردانده است و همواره در خصوص استان موصل و نیز کرکوک و حقوق ترکمن‌ها، ادعاهایی را مطرح کرده است که گاه تا به امروز نیز تکرار می‌شود. اما از آنجایی که زمامداران ترکیه در طول این دوره بر اساس تفکر کمالیسم به مسائل ترک‌های خارج از آناتولی توجهی نداشته‌اند، ترکیه در طول این مدت هیچ اقدامات عمده‌ای در جهت حمایت از اقلیت ترکمن‌های عراق یا برای مطالبه به ادعاهای خود در موصل یا کرکوک انجام نداده است. (ثلجی، ۲۰۱۰: ۹۷)

دوره دوم: در این دوره، شاهد دو استراتژی و سیاست راهبردی از سوی ترکیه هستیم. استراتژی اول معروف به تنش صفر با همسایگان است. مبدع و نظریه‌پرداز این سیاست احمد داود اغلو بود. البته بعدها نظر وی تغییر پیدا کرد و سیاست خارجی ترکیه را نامتوازن خواند، زیرا روابط خود را با اروپا و ایالات متحده آمریکا متمرکز نموده و منافع خود را با کشورهای دیگر به خصوص کشورهای خاورمیانه نادیده گرفته بود. از نظر وی، ترکیه در طول ۸۰ سال گذشته پس از تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳، روابط ممتازی با کشورهای استقلال یافته از امپراتوری سابق عثمانی در شرق و غرب حفظ نکرده درحالی که ترکیه باید نقش پیش‌تری در آن کشورها ایفا کند. (نوفل، ۲۰۱۰: ۸۳) از این جهت، ترکیه در مراحل بعدی، استراتژی جدیدی را مبتنی بر مداخله فعال جهت استقرار نظم موردنظر خود دنبال کرد. از اواسط دهه ۱۹۹۰، زمامداران ترکیه، سیاست جدیدی را در قبال عراق اتخاذ نمودند. آنان ضمن از سرگیری مراودات اقتصادی با این کشور، در قالب طرح نفت در برابر غذا در مناطق شمالی عراق نیز با حمایت از ترکمن‌های عراقی که اقلیت بسیار کوچکی را در این کشور تشکیل می‌دهند، به سیاست ترکی‌سازی شهرهای مهمی نظیر اربیل، دهوک و کفری روی آورده و در این راستا، اقدام به سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زمینه اشاعه فرهنگ ترکی و تغییر ترکیب جمعیتی مناطق هم‌جوار با مرزهای خود با عراق دست زدند. ترکیه با هوشیاری کامل، مواظب بود که

خلاً قدرت موجود در شمال عراق که پس از ایجاد مناطق امن در این کشور به وجود آمده است، به استقلال کردهای عراق منجر نشود و حتی‌الامکان مانع ارتباط مؤثر بین کردهای عراق و کردهای جدایی‌طلب ترکیه شود. (روحی، ۱۳۸۰: ۶۸)

دوره سوم: ترکیه امیدوار بود یک دولت مقتدر متمرکز در عراق پس از صدام باعث تشدید کنترل مرزی و عبور و مرور شورشیان P.K.K شود، از این‌رو، سیاست رسمی ترکیه مخالفت با فدرالیسم و تشکیل دولت خودمختار کردی بود، از طرف دیگر، به‌طور هم‌زمان ترکیه خواهان رعایت حقوق اقلیت ترکمن در عراق بوده است. ترکیه با بین‌المللی کردن مسأله حقوق اقلیت ترکمن در عراق و حمایت از درخواست‌های آن‌ها، زمینه نفوذ خود در شمال این کشور را جهت اعمال فشار بر کردها فراهم می‌کند. حمایت از جبهه ترکمن عراق، مخالفت با برگزاری انتخابات کرکوک، خلع سلاح پیش‌مرگان کرد، متوقف کردن روند مهاجرت کردها به کرکوک و اربیل و ایجاد دو استان ترکمن در شمال عراق، از جمله خواست‌های ترکمن‌ها و ترکیه می‌باشد. (درویشی و پرتو، 1392: pishkesvat.ir) همکاری ترکیه با مقامات جدید عراقی و تلاش برای بازنگه‌داشتن باب گفت‌وگو میان طرفین، پیرامون مسائل گوناگون نه‌تنها در راستای ممانعت از برهم زدن ترتیبات امنیتی و نظم نسبی موجود در عراق می‌باشد؛^۱ بلکه این کشور تلاش دارد از گسترش و نفوذ بیش از اندازه ایران نیز در عراق ممانعت به عمل آورد و در این راه، مایل به نزدیک کردن ترکمن‌ها، اعراب سنی و کردها در عراق به یک‌دیگر خواهد بود. لذا، ترکیه تا پیش از تحولات جهان عرب، به تلاش در جهت حفظ تمامیت ارضی عراق ادامه داد و در جهت حل و فصل منازعات اطراف متخاصم در عراق با همه و به‌طور یک‌سان ملاقات و گفت‌وگو کرد. در راستای این سیاست متوازن ترکیه

۱. البته روابط میان ترکیه و عراق شاهد فراز و نشیب بوده به‌ویژه پس از تحولات جهان عرب که ترکیه سیاست متغییری نسبت به اوضاع داخلی و روند سیاسی عراق در جهت توسعه نفوذ خود با اتکا به فاکتور فرقه‌گرایی و در چارچوب نوع‌ثمانی‌گری دنبال کرده است.

به احزاب و گروه‌های کردی همانند جبهه ترکمن عراق اجازه داده شد تا در آنکارا دفاتری افتتاح کنند. (یاکفیان، 1392: aztagarabic.com)

ترکیه می‌کوشد از ابزار فشار خود به عراق بیش‌تر بهره ببرد. ادعای ارضی ترکیه به موصل، و نیز وجود اقلیت ترکمن در شمال عراق، به همراه نیاز جغرافیایی منطقه به راه‌های مواصلاتی ترکیه، از جمله این ابزارها می‌باشد. داود اغلو در این راستا اظهار داشت: ما در تلاش هستیم سرزمین‌هایی را که بین سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۳ از دست داده‌ایم، دوباره به دست آوریم و البته این حرف نمی‌تواند اشغال سرزمین آن‌جا باشد بلکه منظور همان گسترش و نفوذ ترکیه در سرزمین‌های متعلق به عثمانی است. (عسگریان، ۱۳۹۱: ۳۱) در سال ۲۰۰۳ که کردها قصد تصرف شهر مهم و استراتژیک کرکوک را داشتند، ترک‌ها از طریق وارد ساختن فشار به امریکا و اعلام تهدید رسمی حمله نظامی، از جمله موانع دستیابی کردها به این شهر و الحاق آن به حکومت اقلیم کردستان عراق شدند. هم‌چنین آنان تهدید می‌کردند اگر به کردها منطقه فدرالی داده شود، ترکمن‌های عراقی نیز باید از امتیازی مشابه برخوردار شوند. آن‌ها یک‌بار دیگر در سال ۲۰۰۷ تهدیدات نظامی خود را علیه کردهای عراق و طرح ادعای مالکیت شهر کرکوک مطرح ساختند. (پشنگ، ۱۳۹۲: ۱۹)

جهان و منطقه در سه دهه اخیر، شاهد حوادث مهم و سه رخداد مرتبط با عراق شده بود که باعث شد، ترکیه استراتژی خود را تغییر دهد و در منطقه و به ویژه در عراق، نقش بزرگ‌تری ایفا سازد. اولین رخداد، جنگ ایران و عراق بود که زمینه نفوذ ترکیه در منطقه و در عراق را افزایش داد. دولت عراق به نیروهای ترکیه مطابق توافق‌نامه دوجانبه که در سال ۱۹۸۳ به امضای طرفین رسیده بود، اجازه داد تا در عمق ۳۰ کیلومتری خاک عراق در جهت تعقیب و سرکوب شورشیان کرد و مخالفین رژیم صدام پیش‌روی کنند. این توافق‌نامه هنوز اعتبار دارد و لغو نشده است. در واقع، تمامیت ارضی سه کشور ایران، عراق و سوریه را مورد تهدید قرار می‌دهد. دومین حادثه مهم، جنگ دوم خلیج‌فارس و اشغال کویت توسط عراق بود. یکی از پیامدهای برجسته این جنگ، از بین بردن یک‌پارچگی و وحدت کشور بود. زیرا عراق واحد را به عراق چند قومیتی

و چند مذهبی مبدل ساخت؛ عرب، کرد، ترکمن، مسلمان، مسیحی، شیعه و سنی در این راستا بود که ترکیه سیاست خود را نسبت به ترکمن عراق و در جهت حمایت آن‌ها تغییر داد، و در تشکل احزاب و گروه‌های ترکمنی و تثبیت جایگاه سیاسی آن‌ها در میان معارضین صدام، تلاش‌های زیادی به عمل آورد. سومین و مهم‌ترین رخداد، سقوط رژیم صدام در سال ۲۰۰۳ میلادی بود. تغییر این رژیم به نظام دموکراتیک فدرال کثرت‌گرا، باعث شد ترکیه استراتژی جدیدی نسبت به منطقه و عراق اتخاذ نماید. البته دو حادثه مؤثر که پیش از سقوط صدام رخ داده بود که بازهم در تغییر استراتژی ترکیه مؤثر بود، حادثه ۱۱ سپتامبر در ۲۰۰۱ و به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه در ۲۰۰۲ بود. (شعبان، ۲۰۱۳؛ مصاحبه) سران این حزب، با فاصله‌گیری از اصول کمالیسم و در چارچوب نوع‌ثمنی‌گری و استراتژی‌های متناسب با تحولات منطقه، سیاست جدیدی را متکی بر ایفای نقش فعال و با بهره‌برداری از عوامل دیپلماسی و اقتصادی و قدرت‌های نرم در عراق دنبال کرده‌اند. به طور مثال، ترکیه در سال‌های پس از ۲۰۰۸ برخلاف رویه و سیاست قبلی که به تأکید بر فاکتور ترکمن‌های عراق و حمایت از جبهه ترکمن عراق و روابط پرتنش با کردهای عراق موسوم بود، روابط سیاسی و اقتصادی مستقیمی با کردستان عراق برقرار نموده و همکاری‌های اقتصادی و مبادلات تجاری را به حد اعلای رسانده است، به طوری که مقامات رسمی ترکیه چون وزیر امور خارجه بدون هماهنگی با بغداد با مسئولین اقلیم کردستان دیدار و ملاقات می‌کردند.

افزون بر آن، گشایش کنسولگری ترکیه در اربیل، این واقعیت را می‌رساند که ترکیه حکومت اقلیم کردستان را به طور ضمنی به رسمیت شناخته و دغدغه‌های سابق ترکیه از برقراری فدرالیسم در عراق از میان رفته است. در واقع، این‌گونه سیاست‌ها روابط کردهای عراق با ترکیه مستحکم می‌سازد و منافع ترکیه در اقلیم تأمین می‌نماید. هرچند که به نظر می‌رسد این سطح از روابط آینده اقلیم را مورد تهدید قرار خواهد داد، زیرا آنچه که عملاً و بر روی زمین انجام می‌شود، در واقع یک نوع تهاجم و نفوذ اقتصادی، فرهنگی و در نهایت سیاسی است. هم‌اکنون ۹۰ درصد مواد غذایی و مواد مصرفی از ترکیه تهیه

می‌شود، پروژه‌های کلان عمرانی و پروژه‌های ساختارهای زیربنایی منطقه توسط شرکت‌های پیمان‌کاری ترکیه انجام می‌شود، و دانشگاه و مدارس و دفاتر فرهنگی با تدریس زبان ترکی در اقلیم مشغول فعالیت هستند. (دلی، ۲۰۱۳: wahdaislamyia.org) دکتر عبدالحسین شعبان معتقد است که ترکیه با اعمال این سیاست‌ها یک طرح راهبردی در کردستان عراق دنبال می‌کند. (شعبان، ۲۰۱۳: مصاحبه)

زمینه‌های هم‌گرایی و واگرایی ترکمن‌های عراق با ترکیه (الف) زمینه‌های هم‌گرایی

در این زمینه می‌توان به پان ترکسیم، اقلیت بودن ترکمن‌ها و نظایر آن اشاره کرد:

۱. پان ترکسیم: در پی فروپاشی شوروی و انحلال کامل بلوک شرق در سال ۱۹۹۱ و بازتاب آن در قفقاز و آسیای مرکزی، که بسیاری از ترک‌زبانان آن مناطق دارای ریشه‌های فرهنگی و قومی مشترک با ترک‌های آناتولی دارند، جهان جدیدی پدید آمد که منطقه جغرافیای وسیعی از بالکان تا ترکستان شرقی با جمعیت بالغ بر ۱۵۰ میلیون ترک‌زبان دربر می‌گیرد. این جهان، در قالب پان‌ترکیسم قابل تفسیر است. هرچند که این جهان مفروض که توسط گروه‌های ملی‌گرای راست‌گرای افراطی و یا جنبش‌های تورانی در ترکیه برای وحدت ملت‌های ترکی مطرح می‌شود، از بدو تأسیس دولت جدید ترکیه در دهه ۱۹۲۰ تاکنون^۱ مردود شناخته می‌گردد اما در پی آن تحولات، ترکیه فرصت‌های مناسب‌تری پیدا نمود تا با استفاده از شرایط و امکانات بالقوه این جهان در منطقه و صحنه بین‌المللی نقش بهتری ایفا سازد. و به‌نظر می‌رسد

۱. آتاترک در جهت حفظ و نجات قلب امپراتوری فروپاشی شده که حدود جغرافیای آن در منشور ملی مشخص گردیده بود، تلاش‌های خود را در حدود سرزمین آناتولی محدود ساخت و از هرگونه ادعا در مناطق تابع امپراتوری و سرزمین‌های ترکی زبان آسیای مرکزی و قفقاز و هرگونه آرمان‌گرایی غیرواقعی مدعیان وحدت جوامع ترک صرف‌نظر نموده است. (نوفل، ۲۰۱۰: ۲۱-۲۰؛ نورالدین، ۲۰۱۰: ۱۳۳-۱۳۵)

جوامع ترک این جهان چشم به ترکیه دوخته‌اند تا ترکیه زمام رهبری این جهان و زعامت منطقه را دوباره به عهده بگیرد.^۱ لیکن ترکیه به خاطر مسائل مختلف، از ایفای این نقش که متناسب با جایگاه تاریخی و سیاسی آن می‌باشد، عاجز ماند. از مهم‌ترین دلایل ناتوانی ترکیه در این باره نداشتن انگیزه درونی برای رهبری منطقه و پایبند بودن به اصول کمالیسم است.

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، شرایط کاملاً تغییر پیدا کرد. سران حزب نهایت تلاش خود را در ایجاد تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی مبذول کرده‌اند و می‌کنند تا با به‌کارگیری امکانات بالقوه این جهان فرضی و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود، ترکیه را به یک قدرت و بازیگر مهم در منطقه خاورمیانه و جهان مبدل سازند. (باکیر، ۲۰۱۰: ۱۷-۱۶) اگر چه زمان طولانی از پان‌ترکیسم می‌گذرد و شاید هم‌چون گذشته این ایدئولوژی رنگ و تأثیر چندانی ندارد، اما به هر حال ترکمن‌های عراق نمی‌توانند مشترکات فرهنگی و قومی خود با ترکیه را نادیده بگیرند و خواه‌ناخواه این مشترکات در روابط، تعامل و موضع‌گیری‌ها در برابر مسائل مختلف اثر می‌گذارد لذا، در طول مدت گذشته و تا سرنگونی رژیم صدام جوانان ترکمنی به ناچار و به دلیل ظلم و ستم که به ترکمن‌ها از طرف حاکمان عراق در دوره‌های مختلف اعمال می‌شد، تحت تأثیر ایدئولوژی و تفکر پان‌ترکیسم بودند و نجات و پیشرفت خود را در پیروی از سیاست‌های ملی‌گرای و سکولار ترکیه می‌دیدند. ولی با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و به قدرت رسیدن اردوغان به نظر می‌رسد علاقه ترکمن‌های عراق به خاطر

۱. در جریان فروپاشی شوروی امید تازه‌ای به گرایش‌های فروخورده ملی‌گرایی ترکی و پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی و قفقاز به وجود آمد، و احزاب و جنبش‌های خاصی نظیر حزب «آلاش»، «بیولیک»، «حزب گرگ خاکستری آذربایجان» و «حزب توران معاصر آذربایجان» با آرمان ایجاد وحدت بیش‌تر بین ترک‌ها شکل یافت، اما این اقدامات از سوی دیگر گروه‌های ملی منطقه، نظیر ترکمن و قرقیز با بدبینی تلقی شد، زیرا آن‌ها بیمناک بودند که این مسأله تبدیل به وسیله‌ای برای غلبه گروه‌های ملی بزرگ‌تر شود. (رئیس نیا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۴۶۶-۴۷۲)

جهت‌گیری‌های این حزب کاهش پیدا کرد. سیاست دولت اردوغان نسبت به مسائل عراق و حتی در تعامل با ترکمن‌ها در چارچوب فرقه‌گرایی بوده است و جبهه ترکمن عراق را که اغلب رهبران آن سنی و طرفدار ملی‌گرایی می‌باشند بر سایر گروه‌ها به خصوص شیعی ترجیح می‌دهند در حالی که ترکمن‌ها در عموم به این حقیقت اذعان دارند که جایگاه سیاسی و دست‌آوردهای که تا به حال محقق ساختند، مدیون مواضع و حمایت‌های شیعه عراق بوده است. (البیاتی، ۲۰۱۳: مصاحبه)

۲. اقلیت بودن ترکمن‌ها در عراق: ترکمن‌ها به خاطر در اقلیت بودن و نقش محدود خود در نتیجه شرایط گذشته و احساس ضعف در مقابل هم‌وطنان خود یعنی کرد و عرب، نیاز خود را به حمایت و پشتیبانی ترکیه برای ایجاد توازن قدرت احساس می‌نمایند. از جمله اقدامات ترکیه در جهت تقویت جایگاه ترکمن در عراق و اقدام تورگوت اوزال رئیس‌جمهور سابق ترکیه اعلام آمادگی کرده بود تا یکی از شخصیت‌های ترکمن عراقی را به عنوان نماینده ویژه ترکیه در بغداد منصوب نماید. هم‌چنین او توانست بازیگران بین‌المللی را متقاعد سازد تا ترکمن‌های عراق را همراه کردها و عرب‌ها به عنوان سه عنصر اصلی کشور عراق به‌شمار آورند که در نتیجه آن تلاش‌ها ترکمن‌ها در کنار دیگران در ساختن عراق نوین است. (قزنجی، 1392: aliraqtimes.co)

۳. توسعه قدرت کردها: با توجه به شرایط سیاسی حاکم پس از سقوط رژیم صدام و حتی بیش از آن از یک‌جهت و از جهتی دیگر ناتوانایی دولت مرکزی به خاطر واقعیت‌های موجود، قدرت کردها در مناطق مشترک و ترکمن‌نشین روز به روز توسعه پیدا می‌کرد در نتیجه ترکمن‌ها خود را در برابر توسعه نفوذ و قدرت کردها ناتوان می‌بینند و ناچاراً ترکیه را حامی خود و مهارکننده نفوذ و تهدید کردها به‌شمار می‌آورند.

ب) موانع هم‌گرایی

در مورد عوامل واگرایی می‌توان به عوامل متعددی اشاره کرد از جمله:

۱. سیاست کمالیستی و ذهنیت منفی: علیرغم علقه‌های فرهنگی و قومی، ترکمن‌های عراق از نظر هویت ملی، خود را بیش‌تر عراقی می‌دانند تا ترک. زیرا وقتی امپراتوری عثمانی سقوط کرد و ولایت موصل مطابق مصوبات جامعه ملل با برگزاری انتخابات عمومی به دولت عراق ملحق شد، به ترکمن‌ها اختیار داده شد تا میان تابعیت دولت ترکیه یا عراق انتخاب نمایند. آن‌ها تابعیت عراق را انتخاب کردند. (التوجی، 1392: ankawa.com) هم‌چنین در تأیید مطلب فوق و به عنوان نمونه حدود سی‌هزار نفر ترکمن عراقی برای چندین دهه در ترکیه اقامت داشتند، اما تاکنون نتوانستند لابی مؤثر در محافل سیاسی و رسمی آن کشور تشکیل دهند، بلکه به عنوان یک اقلیت منزوی و در حاشیه باقی ماندند که تمام هم‌وغم خود را ادامه زندگی و اقامت در ترکیه قرار دادند. علت این امر این بود که آن‌ها با سیاست‌های ترکیه در منطقه و عراق مخالف بودند و حتی در اجرای آن سیاست‌ها با ترکیه همکاری نمی‌کردند. در واقع آن‌ها منافع خود را در چارچوب منافع ملی ترکیه نمی‌دیدند اگرچه برخی از آن‌ها حتی تابعیت ترکیه هم داشتند. هم‌اکنون نیز ترکمن‌ها بر این باورند که سرنوشت ملت ترکمن در وحدت ملی و تمامیت ارضی عراق نهفته است و اگر سناریوهای تجزیه و تقسیم عراق محقق گردد، بی‌تردید هویت معنوی و فرهنگی آن‌ها با دیگر قومیت‌ها ادغام خواهد شد. زیرا اغلب ترکمن‌ها در مناطق کردستان یا در شهرهای با اکثریت عرب سکونت دارند. (قرانجی، 1392: aliraqtimes.co)

۲. سیاست پراگماتیستی: در طول سال‌های گذشته حتی پس از تحولات پس از دهه نود و رویکرد جدید سیاسی ترکیه متکی به ایفای نقش بیش‌تر در منطقه و حمایت از ترکی زبانان و اقلیت‌های ترک کشورهای دیگر، ترکیه در برخورد با بسیاری از مسائل و حوادث منطقه و عراق عمل‌گرایانه رفتار نمود. به‌عنوان مثال در تعامل با توسعه قدرت کردها که به ضرر جایگاه ترکمن‌ها تمام می‌شد، ترکیه نه‌تنها مانند گذشته دست به تهدید نمی‌زند، بلکه با

استفاده از فاکتورهای دیپلماسی و اقتصادی و قدرت نرم سیاست جدیدی را در روابط خود با کردها صرفاً در جهت تأمین منافع ملی خود و بدون در نظر گرفتن منافع ترکمن‌ها و ملاحظات ملی‌گرایی ترکی اتخاذ می‌نماید. هم‌چنین اردوغان و داوود اغلو که در طی چند سال اخیر در دیدگاه‌های اعلانی خود از تنش‌زدایی و استراتژی به صفر رساندن مشکلات با همسایگان طرفداری می‌کردند و به دنبال متوازن‌سازی در جهت‌گیری دیپلماسی ترکیه بوده‌اند؛ هم‌اکنون این تلاش‌های چندساله را نادیده گرفته و سمت‌وسوی سیاست خارجی آنکارا را متناسب با غرب و ملاحظات آن تنظیم کرده‌اند. اقداماتی از این قبیل در جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه، پدیده تازه‌ای نیست بلکه در طول تاریخ سران حاکم با استفاده از استراتژی (دو گام به پیش و یک گام به پس) حرکت کرده‌اند. (صولت، 1392: tisri.org)

نتیجه

با بررسی داده‌های گردآوری شده و اطلاعات مندرج در بخش‌های این مقاله و تجزیه و تحلیل متغیرهای مستقل و وابسته، زمینه‌ها و موانع هم‌گرایی، ظرفیت‌های پان‌ترکیسم در ترکمن‌های عراق، و سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه با توجه به تحولات منطقه و عراق، این نتایج به دست آمده است:

علیرغم اینکه ترکمن‌ها عموماً ترکیه را هنوز حامی استراتژیک خود می‌دانند، اما در عمل آن‌ها در بسیاری از موارد نسبت به مواضع و سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه شک و تردید داشته‌اند. بنابراین، آن‌ها به این حقیقت اذعان دارند که برای رسیدن به منافع و حقوق خود نمی‌توانند تنها روی ترکیه حساب کنند و عوامل دیگر را نادیده بگیرند.

ترکمن‌ها در طول دهه‌های گذشته پس از سقوط عثمانی در انزوای سیاسی به سر می‌بردند و تا پیش از اواخر دهه ۱۹۹۰ در جریانات و تحولات عراق نقش و حضور فعالانه نداشتند و حتی پس از تحولات سیاسی عراق از سال ۱۹۹۱ به

بعد و علی‌رغم تشکیل احزاب و گروه‌های مختلف معارض رژیم صدام، اما آن‌ها نتوانستند به صورت جریان منسجم و مؤثر در صحنه سیاسی و تحولات آتی کشور نقش ایفا کنند، به طوری که برخی از شخصیت‌های ترکمنی ترجیح می‌دادند به احزاب و گروه‌های دیگر با گرایش‌های دینی یا مذهبی و یا حتی ملی‌گرای بپیوندند تا به یک حزب یا گروه ترکمنی.

ترکمن‌ها در طول دهه‌های گذشته از دوران سقوط عثمانی و تشکیل دولت عراق در سال ۱۹۲۱ تا سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، در شرایط دشواری به سر می‌بردند و مورد سرکوب رژیم‌های متوالی قرار گرفته بودند. با توجه به این مسأله و نکات فوق‌الذکر و به دلایلی که قبلاً بدان در این پژوهش اشاره شد، ترکمن‌ها نه خود قادر به رهایی از این شرایط و رسیدن به حقوق خود بودند و نه حامی و مدافع واقعی برای تحقق آرمان‌های خود داشتند. در نتیجه جایگاه و قدرت سیاسی آن‌ها در مقابل قدرت‌گیری روزافزون کردها حتی در عراق نوین پس از صدام هم‌چنان ضعیف مانده است.

اگرچه تحولات سیاسی جهان و منطقه پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۸۹ باعث تغییر سیاست منطقه‌ای ترکیه و به‌ویژه در مورد حمایت این کشور از ترک‌ها و اقلیت‌های ترکی خارج از آناتولی گردید، اما هنوز الزامات داخلی و عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه را نسبت به ایفای این نقش محدود می‌سازد.

علیرغم اینکه ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه و به قدرت رسیدن اردوغان شاهد تحولات اساسی در سیاست خارجی بوده، که به سیاست فعال در تحولات جهان و مداخله مستقیم در سطح منطقه در چارچوب نوعثمانی‌گری موسوم شد، اما عملکرد سران حزب تاکنون نشان داد که آن‌ها بیش‌تر پراگماتیست بوده تا محافظه‌کار و در برخورد با تحولات و جریان‌ات سیاسی منطقه به‌طور واقع‌گرایانه رفتار می‌کردند.

صرف‌نظر از ایدئولوژی و گرایش‌های سیاسی حاکمان ترکیه در دوره‌های

مختلف زمانی، آنچه که برای آن‌ها اولویت دارد منافع و امنیت ملی ترکیه است که بر وحدت و هم‌گرایی با ترک‌ها و اقلیت‌های ترکی جهان مقدم است. بنابراین علی‌رغم تغییر در سیاست خارجی ترکیه در برخورد با محیط پیرامونی و به‌خصوص نسبت به ترک‌های خارج از آناتولی، اما به خاطر الزامات محیط داخلی و شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای از یک‌طرف و از طرفی دیگر شرایط سیاسی فعلی و تاریخی ترکمن‌های عراق، هم‌گرایی آن‌ها با ترکیه در چارچوب پان‌ترکیسم و سیاست‌های منطقه‌ای دولت ترکیه ضعیف به نظر می‌رسد. در واقع ترکمن‌های عراق برای ترکیه بیش از ابزار نفوذ در عراق به شمار نمی‌روند. انفعال و بی‌عملی ترکمن‌ها در تحولات منطقه در پرتو حوادث روزهای پایانی بهار ۲۰۱۴ و حمله داعش به مناطقی از مرکز و شمال عراق که بعضاً ترکمن نشین بوده‌اند بیش‌ازپیش ثابت گردید.

کتاب‌نامه

- باکیر، علی حسین (۲۰۱۰). *ترکیا بین تحدیات الداخل و رهانات الخارج*، بیروت، الدار العربیة للعلوم ناشرون، ۲۰۱۰.
- البیاتی، محمد (۲۰۱۳). مصاحبه با نماینده ترکمن کرکوک دوره سابق مجلس نمایندگان عراق در ۲/۷.
- پشنگ، اردشیر (۱۳۹۲). «بررسی ریشه‌های تنش در روابط عراق و ترکیه»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، peace-org
- التونجی، توفیق (۱۳۹۲). «ترکمان العراق والانتخابات النيابية فی العراق» ankawa.com
- ثلجی، محمد (۲۰۱۰). *ترکیا بین تحدیات الداخل و رهانات الخارج*، بیروت، الدار العربیة للعلوم ناشرون.
- درویشی، فرهاد و پرتو، فتح‌الله (۱۳۹۲). «عراق جدید و استراتژی سیاسی - امنیتی ایران»، pishkesvat.ir
- دلی، خورشید (۲۰۱۳). «الدوافع التریکیة من تطویر العلاقة بإقلم کردستان العراق» wahdaislamyia.org
- دیمو، آنتونیو (۱۳۸۱). «تعریف پان‌تورانیسم»، ترجمه علیرضا خدقلی، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، شماره ۱۰، بهار.
- روحی، نبی‌الله (۱۳۸۰). «سیاست ترکیه در قبال کردستان عراق» ماهنامه خبری - تحلیلی نهضت، شماره ۲۰، سال دوم، اسفند ۱۳۸۰.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۷). *پان‌ترکیسم در دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دائره المعارف الاسلامی، ج ۵.
- رواسانی، شاپور (۱۳۹۲). «نادرستی فرضیه‌های نژادی ترک». allpantorkism.persianblog.ir
- شرکه، ولید (۲۰۰۱). *کرکوک - بحوث النوة العلمیة حول کرکوک*، اربیل، منشورات ئاراس.
- شعبان، عبدالحسین (۲۰۱۳). مصاحبه نویسنده و اندیشمند عراقی مقیم لندن

- الصمانجی، عزیز قادر (١٩٩٩). *التاریخ السیاسی لتركمان العراق*، بیروت، دار الساقی، ١٩٩٩.
- صولت، رضا (١٣٩٢). «کمالیسم، اردوغانیسم، داوود اغلو یسم و سیاست خارجی ترکیه» tisri.org
- الضابط، شاکر صابر (١٩٦٠) *موجز تاریخ التركمان فی العراق*، بغداد، مطبعة المعارف.
- عسگریان، محسن (١٣٩١). «دیدگاه‌های فرقه‌گرایانه در سیاست خارجی ترکیه»، mohsenasgarian.blogfa.com
- قزانجی، هجران (١٣٩٢). «أسباب فشلنا فی تکوین لوبی ترکمانی مؤثر علی مراکز صنع القرار فی ترکیا» aliraqtimes.com
- کاجابتی، سونیر (٢٠٠٣). «التركمان المنطقة الضعیفة فی الحرب فی الشمال العراقی»
- مردان، وجدی انور (٢٠٠٤). «تركمان العراق، من هم وما هی مطالبیهم؟» mafhoum.com
- نورالدین، محمد (٢٠١٠). *تركيا بین تحديات الداخل ورهانات الخارج*، بیروت، الدار العربیة للعلوم ناشرون، ٢٠١٠.
- نوفل، میثال (٢٠١٠). *عوده تركيا الی الشرق... الاتجاهات الجديدة للسیاسة التركیة*، بیروت، الدار العربیة للعلوم ناشرون.
- یاکفیان، دیکران، «التركمان فی العراق وموقفهم السیاسی فی إطار الحفاظ علی الوحدة العراقیة»، aztagarabic.com